

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

علی ناظر
۰۶ اپریل ۲۰۲۵



علی ناظر

هوشدار به خلق قهرمان، دشمن در کمین است

۲۶ سال پیش، اولین روزهای شروع سایت دیدگاه بود که نوشته «آزادخواهی یا تئوری ترشی؟» (آذر-قوس- ۱۳۷۸، نومبر ۱۹۹۹) را به صورت «تصویر» در سایت منتشر کردم. متن آن نوشتار ضمیمه این نوشتار (پ.د.اف) آمده است.

[آزادخواهی یا تئوری ترشی؟ ۱۳۷۸-پ.د.اف](#)

مهدی کروی، پس از پایان یافتن دوران «حصار»، بیانیه ای صادر کرده که در سایت های دیدگاه و بحران بازتکثیر شده اند.

ایشان به جز این که یادی از میرحسین موسوی می کنند و معترضان امیدوارند که ایشان هم بزودی آزاد شوند، بخش ریزشی جمهوری اسلامی را مخاطب قرار داده و اعلام می کند که با برخی از تصمیمات شورای نگهبان، نحوه رهبری جامعه، و... مخالف بوده و ریشه فساد در نظام سیاسی، فروپاشی اقتصاد، و هرج و مرج در نظام قانونمداری جامعه را در سوءمدیریت می بیند. وی در عین حال که خواهان آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی، به خصوص زنان، می شود، اما زیرکانه اشاره نمی کند که دلیل دستگیری ها چه بوده، چرا زنان به زندان افتاده اند. وی از آزادی های «مشروع» حمایت می کند، چرا که «حجاب» مقوله ایست که به «شرع» ربط پیدا می کند و زیرکانه از آن می گذرد. وی خواهان آزادی زندانیان سیاسی می شود بی آن که به «جرم سیاسی» و «اعدام سیاسی» اشاره داشته باشد.

موقعیت سیاسی ج.ا. کاملاً متزلزل است. آنقدر که می تواند به فروپاشی سیاسی نظام و طبیعتاً به «آناشیشم» منجر شود. نظام سلطه بین المللی با دانش به این واقعیت به دنبال آلترناتیو است. آلترناتیوی که بتواند پایه های نظام را حفظ کند بی آن که به فرهنگ ارتجاعی حاکم لطمه بخورد. فقط پلان عوض شود. رضا پهلوی یک آلترناتیو است، اما فقط

بخشی از نظام می تواند مطیع «رهبری ملوکانه» او شود. باید شخصی از «خود»، از «درون» جایگزین شود. کسی که زندان دیده، مواضع مشخصی علیه بندهائی از قانون اساسی دارد، و زبان سپاه را بخوبی بلد است.

حامیان تئوری ترشی، امید دارند که حافظه تاریخی جامعه خط خورده و خاک گرفته شده باشد تا به خاطر نیاورند که بسیاری از کشتار دهه ۱۳۶۰ در زمان صدارت موسوی و همدستی کروی ریخ داده است. کروی و میرحسین موسوی هم از اعدام های کشتار ۱۳۶۷ آگاه بودند و هم در قبال آن سکوت کردند. حتی اگر این واقعیت غیرقابل کتمان را نادیده بگیریم، این دو عنصر سر به فرمان قانون اساسی ج.ا. با توجه به این که این «نظام»، نظام شکنجه، قتل و جنایت است، خود را نامزد ریاست جمهوری کردند. آنها بخوبی می دانستند به خصوص پس از این که خاتمی به همه هوشدار داد که رئیس جمهور در این نظام یعنی «تدارکاتچی»، با این وجود پذیرفته بودند که «تدارکاتچی» «رهبر فرزانه» شده و دستورات او را (که حال منتقدش هستند) اجراء کنند. به قولی خانه نشینی "بی بی" از بی چادری است. اگر آنروز رهبر دخالت نمی کرد و موسوی رئیس جمهور می شد، آقای کروی امروز در «مدیریت» ایرادی نمی دید.

خلاصه کنم. اینها همگی (امریکا و روسیه و اسرائیل و...) ترسیده اند که اگر «شورشی» رخ دهد، و اگر «افسار» از دستشان رها شود، به قولی نه از تاک نشان ماند و نه از تاکنشان.

ملت شریف ایران از این پیچ تند سیاسی که یک طرف آن دره «جنگ و ویرانی» نقب کرده اند، و در سوی دیگر دره «ج.ا. ۵۰ سال دوم»، باید آگاهانه بگذرد. نه به شانناژهای ترمپ و جهان سلطه توجه کند، و نه با خدعه حامیان ج.ا. فریب بخورد.

برای رهائی تنها یک راه بیشتر پیش رو نیست. هماهنگی با کانون های شورشی و در صورت نبودن پل های امن ارتباطی، تشکیل کانون های رادیکال با محوریت آزادی، استقلال، جمهوری دموکراتیک.

باید هوشیارانه از این گردنه صعب العبور گذشت. نگذاریم بنی امیه برود و بنی عباسیه بیاید.

by علی ناظر | اپریل ۵، ۲۰۲۵ ۹:۵۴ ب.ظ